



International Journal of Advanced Academic Studies

E-ISSN: 2706-8927

P-ISSN: 2706-8919

www.allstudyjournal.com

IJAAS 2020; 2(1): 180-186

Received: 13-11-2019

Accepted: 15-12-2019

پوهنمل عبدالمنان (أبو عمرو)

دانشکده شرعیات دانشگاه بدخشان -
افغانستان

تعصب و پیامدهای زشت آن در جامعه

پوهنمل عبدالمنان (أبو عمرو)

بسم الله الرحمن الرحيم

چکیده

موضوع تعصب و عصبیت در جامعه افغانی و در برخی کشورها یک موضوع داغ و حساس بوده؛ چون موضوع عصبیت، جامعه و کشور را به قهقرا می کشاند، حتی مرض تعصب انسان را به بی عدالتی، ظلم، حقد، دشمنی، عدم رعایت حقوق دیگران، انکار از حقوق دیگران، ابا ورزیدن از حقایق عینی جامعه مبتلا میسازد، و بالاخره باعث دچار شدن به عذاب دنیوی و اخروی میگردد.

دین مبین اسلام همه ای انواع روابط مادی و انسانی را رد نکرده، و حقوق قرا بت را نادیده نگرفته است، بل اسلام به برقراری روابط خویشاوندی تأکید نموده و قطع آنرا از بزرگترین گناه شماریده است.

تعصب و ملیت گرایی از دیدگاه اسلام زشت و مذموم و از کارهای جاهلیت محسوب شده است. هر فرد کشور از نتایج تلخ مرض تعصب زبانی، نژادی، قومی، سمتی، حزبی، مذهبی، فرهنگی، اعتقادی، و عبادی را می چشند، از خداوند استدعا دارم که این امت را از این وبا و مرض و آگیرنجات بخشیده، و ملت واحد، یک پارچه بگرداند، طعم اتحاد و اتفاق را زمانی درمی یابید که به کتاب خدا (جل جلاله) و سنت رسول الله (صلی الله علیه و سلم) تمسک نمایید، در غیر آن کامیابی را نخواهید چشید.

و این مقاله دارای چکیده، واژه های کلیدی، مقدمه، متن موضوع، و با بیان نتیجه و سرچشمه ها خاتمه یافته است.

واژه های کلیدی

1- تعصب 2- جاهلیت 3- منتنة 4- برائت 5- آخوة

مقدمه

إن الحمد لله نحمده ونستعينه ونستغفره، ونعوذ بالله من شرور أنفسنا ومن سيئات أعمالنا، من يهده الله فلا مضل له ومن يضلل فلا هادي له، وأشهد أن لا إله إلا الله وحده لا شريك له وأشهد أن محمدا عبده ورسوله.

{ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تَقَاتِهِ وَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنْتُمْ مُسْلِمُونَ } (آل عمران، 102).

ترجمه: ای کسانی که ایمان آوردهاید آن چنان که باید از خدا ترسید از خدا بترسید و شما نمیرید مگر آن که مسلمان باشید.

{ يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَخَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا وَبَثَّ مِنْهُمَا رِجَالًا كَثِيرًا وَنِسَاءً وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي تَسَاءَلُونَ بِهِ وَالْأَرْحَامَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَيْكُمْ رَقِيبًا } (النساء، 1).

ترجمه: ای مردمان! از پروردگارتان بپرهیزید. پروردگاری که شما را از یک انسان بیافرید و همسرش را از نوع او آفرید، و از آن دو نفر مردان و زنان فراوانی منتشر ساخت. و از خدائی بپرهیزید که همدیگر را بدو سوگند می دهد؛ و بپرهیزید از این که پیوند خویشاوندی را گسیخته دارید، زیرا که بیگمان خداوند مراقب شما است.

{ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَفُولُوا قَوْلًا سَدِيدًا ، يُصْلِحْ لَكُمْ أَعْمَالَكُمْ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ وَمَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَقَدْ فَازَ فَوْزًا عَظِيمًا } (الأحزاب، 70-71).

ترجمه: ای مؤمنان! از خدا بترسید و سخن حق و درست بگوئید. در نتیجه خدا اعمالتان را بایسته می کند و گناهانتان را می بخشد. اصلاً هر که از خدا و پیغمبرش فرمانبرداری کند، قطعاً به پیروزی و کامیابی بزرگی دست می یابد.

معنای عصبیت: حمایت و طرفداری و مدافعه از کسی که خود را به شخص بستگی داده و یا شخص بدان بستگی دارد، برابری است که عصبه اش ظالم باشد یا مظلوم. (12: 381)

بدون شک قرآن کریم، راست ترین سخن الله پاک است و راهنمایی محمد (صلی الله علیه و سلم) بهترین و خوب ترین هدایت و راهنمایی است، بدترین کارها چیزهای منکر، و پدیده ای نو آورده شده در دین بوده است، هر پدیده ای نو (در دین) بدعت بوده و هر بدعت گمراهی است.

این مقاله از یک موضوع مهلك و تباها كننده جامعه بحث می کند که همانا تعصب و عصبیت مذموم و زشت می باشد، و از پیامدهای زشت آن که جامعه امروزی دچار آن است، برای هیچ فرد جامعه مخفی نبوده نمی باشد، به یقین گفته میتوانم: تعصب یک مرض سختی بوده که اساسات، روح و روان مردم را شکسته و از بین برده، مردم به سبب آن دچار اختلاف، عقب مانده گی مادی و معنوی گردیده است، و این اولین مرضی است که مردم دچار آن شدند، شیطان (ابلیس) ملعون اولین کسی است که از فرمان الله متعال سرپیچی کرده، یگانه عاملش تعصب بوده است که ابلیس میگوید: { خَلَقْتَنِي مِنْ نَارٍ وَخَلَقْتَهُ مِنْ طِينٍ } (الأعراف، 12).

Corresponding Author:

پوهنمل عبدالمنان (أبو عمرو)

دانشکده شرعیات دانشگاه بدخشان -
افغانستان

عَلَيْكُمْ وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَأَنْزَلْنَا مَلَائِكَةً مَا سَمِعْنَا بِهَذَا فِي آبَائِنَا الْأُولَى (المؤمنون، 23-24).

ترجمه : ما نوح را به سوی قوم خودش فرستادیم . او بدیشان گفت : ای قوم من ! خداوند (یگانه یکتا) را ببرستید ، چرا که معبودی جز او ندارید . آیا نمی پرهیزید ؟ اشراف و سران کافر قوم او گفتند : این مرد جز انسانی همچون شما نبوده ولی او می خواهد بر شما برتری گیرد . اگر خدا میخواست (پیغمبری را به میان ما روانه کند) حتماً فرشتگانی را میفرستاد . ما چنین چیزی را در (تاریخ) پدران پیشین خود نشنیده‌ایم .

اگر نوح (علیه السلام) آنچه آورده است، آن از طریق نیاکان شان می بود، می پذیرفتند، اما آن از طریق نیاکان شان نبود ؛ بنا براین آنها موضوعاتی را که نوح(علیه السلام) آورده بود، قبول نکردند ، و این نیست مگر تعصب .

اللّٰهُ متعال درجای دیگر میفرماید: { وَجَعَلُوا الْمَلَائِكَةَ الَّذِينَ هُمْ عِبَادُ الرَّحْمٰنِ اِنۡسَانًا اَشۡهَدُوۡا خَلۡفَهُمْ سَنُكۡتِبُ شَہَادَتَهُمْ وَّبِسَالُوۡنَ ، وَقَالُوۡا لَوۡ شَاءَ الرَّحۡمٰنُ مَا عَبَدنَاہُمْ مَا لَہُمْ بِذٰلِكَ مِنْ عِلۡمٍ اِنۡ هُمۡ اِلَّا بَخْرٰصُوۡنَ ، اَمْ اَتَّيۡنَاہُمْ كِتَابًا مِّنۡ قِبَلِہٖ فَہُمْ بِہٖ مُّسۡتَمۡسِكُوۡنَ ، بَلۡ قَالُوۡا اِنَّا وَجَدۡنَا اَبۡآءَنَا عَلٰی اُمَّةٍ وَّاِنَّا عَلٰی اٰثَارِہِمۡ مُّہۡتَدُوۡنَ ، وَكَذٰلِكَ مَا اُرۡسَلۡنَا مِنْ قَبۡلِكَ فِیۡ قَرۡیَۃٍ مِّنۡ نَّذِیۡرٍ اِلَّا قَالُۦمُ مۡرُفُوۡہَا اِنَّا وَجَدۡنَا اَبۡآءَنَا عَلٰی اُمَّةٍ وَّاِنَّا عَلٰی اٰثَارِہِمۡ مُّقۡتَدُوۡنَ } (الزخرف، 19-23).

ترجمه : آنان فرشتگان را که بندگان خدای مهربانند ، مؤنث بشمار می آورند . آیا ایشان به هنگام آفرینش فرشتگان حضور داشته‌اند و خلقتشان را مشاهده نموده‌اند ؟ ! اظهارنظر از گواهی ایشان ثبت و ضبط می شود و بازخواست نمی‌گردند . و می‌گویند : اگر خدا می‌خواست ما فرشتگان را پرستش نمی‌کردیم . آنان کمترین اطلاع و کوچکترین خبری از این (رضایت الهی) ندارند ! ایشان سخنانشان جز بر پایه حدس و گمان و تخمین نیست . یا این که ما کتابی را پیش از این قرآن ، بدانان داده‌ایم و آنان بدان جنگ زده‌اند . بلکه ایشان می‌گویند : ما پدران و نیاکان خود را بر آئینی یافته‌ایم و ما نیز بر پی آنان می‌رویم .

همین گونه در هیچ شهر و دیاری پیش از تو (پیغمبر) بیم دهنده‌ای مبعوث نکرده‌ایم مگر این که منتعمان (خوشگذران و مغرور از ثروت و قدرت) آنجا گفته‌اند : ما پدران و نیاکان خود را بر آئینی یافته‌ایم و ما هم قطعاً به دنبال آنان می‌رویم .

تعصب بر نیاکان و مخالفت ورزیدن از پیامبران و حق، هر جا که باشد در آن ضرری نهنفت است، سبب کفر و گمراهی می‌گردد، الله(جل جلاله) میفرماید: { قَالَ اَوَلَوْ جِئۡتُكُمۡ بِاٰہۡدٰی مِمَّا وَجَدۡتُمۡ عَلَیۡہِ اَبۡآءَکُمۡ قَالُوۡا اِنَّا بِمَا اُرۡسَلۡتُمۡ بِہٖ کٰفِرُوۡنَ ، فَاَنۡتَعَمۡنَا مِنْہُمْ فَاَنۡظُرُ کَیۡفَ کَانَ عَاقِبَۃُ الْمُکۡذِبِیۡنَ } (الزخرف، 24-25).

ترجمه : (پیغمبرشان بدیشان) می‌گفت : آیا اگر من آئینی را هم برای شما آورده باشم که از آئینی هدایت بخش‌تر باشد که پدران و نیاکان خود را بر آن یافته‌اید؟ می‌گفتند : اصلاً ما به چیزی که (با خود آورده‌اید و) بدان مأمور و مبعوث شده‌اید ، باور نداریم . پس ما از ایشان انتقام گرفته‌ایم بنگر عاقبت کار تکذیب کنندگان چگونه شده است .

سرانجام و پیامد زشت تعصب در دنیا

سرانجام این گونه تعصب، تقلید کورکورانه، عناد و تکذیب چیست؟

خداوند(جل جلاله) انجام زشت این گونه مردم را در سوره های متعدد قرآن کریم تذکر نموده است؛ تا مردم از آن پند عبرت گرفته، از وقوع در همچو موارد سخت برحذر باشند؛ چنانکه الله متعال در سوره عنکبوت بعد از بیان قصه نوح و قومش، ابراهیم و قومش، لوط و قومش و آنچه شامل قصه های آنان می شود از قبیل؛ هلاکت امت های تکذیب کننده، تعصب گرایان و عنادیان میفرماید: {وَالۡیَۤاۤیَ مَدِیۡنَۃً اَخٰہُمۡ شَعِیۡبًا فَقَالَ یٰۤاَقُوۡمِ اعۡبُدُوۡا اللّٰہَ وَارۡجُوۡا الۡیَومَ الْاٰخِرَ وَلَا تَعۡتَوۡا فِی الْاَرۡضِ مُفۡسِدِیۡنَ ، فَکَذَّبُوۡہُ فَاَخَذۡتُہُمُ الرِّجۡفَ فَاَصۡبَحُوۡا فِیۡ دَارِہِمۡ جٰثِمِیۡنَ ، وَعَادًا وَّمُؤَدَّ وَوَقَدۡ نَبِیۡنَ لَکُمۡ مِّنۡ مَّسٰکِیۡنِہُمۡ وَرَزِیۡنَ لَہُمُ الشَّیۡطٰنُ اَعۡمٰلُہُمۡ فَصَدَّہُمۡ عَنِ السَّبِیۡلِ وَکَانُوۡا مُسۡتَبۡصِرِیۡنَ ، وَقَارُوۡنَ وَفِرۡعَوۡنَ وَہٰمٰنَ وَلَقَدْ جِآءَہُمۡ مُّوۡسٰی بِالۡبَیِّنٰتِ فَاَسۡتَکۡبَرُوۡا فِی الْاَرۡضِ وَمَا کَانُوۡا سٰبِقِیۡنَ ، فَکَلَّا اَخۡذۡنَا بِذُنُبِہِ فَمِئۡنُہُمۡ مِّنۡ اُرۡسَلۡنَا عَلَیۡہِ حٰصِبًا وَّمِنْہُمۡ مَّنۡ اَخَذۡنَا الصِّیۡحَہُ وَّمِنْہُمۡ مَّنۡ خَسَفۡنَا بِہِ الْاَرۡضَ وَّمِنْہُمۡ مَّنۡ اَغۡرَقۡنَا وَمَا کَانَ اللّٰهُ لَیۡظِلِمَہُمۡ وَلٰکِنۡ کَانُوۡا اَنۡفُسُہُمۡ یَظۡلِمُوۡنَ } (العنکبوت، 36-40).

ترجمه : (همچنین فرستادیم) شعیب را به سوی شهر مدین که خود از اهالی آنجا بود . گفت : ای قوم من ! خدای را پرستش کنید ، و (سعادت) روز بازپسین را بخواهید ، و در زمین اصلاً فساد و تباهی نکنید . او را تکذیب کردند و زلزله آنان را فرو گرفت و در خانه و کاشانه خود به رو در افتادند و مردند . (ما قبائل) عاد و ثمود را (نیز به گناهانشان گرفتیم و نابودشان کردیم) و خانه و کاشانه ایشان برای شما نمایان است . هریم(شیطان) اعمال ایشان را در نظرشان آراست و بدین وسیله ایشان را از راه بازداشت ، در حالی که چشم بینا داشتند . قارون و فرعون و هامان را (نیز به گناهانشان گرفتیم و نابودشان کردیم) . موسی با دلایل و براهین روشن به سر آنان رفت

ترجمه : (ابلیس از روی عناد و تکبر پاسخ) گفت : من از او بهترم . چرا که مرا از آتش آفریده ای و او را از خاک . (و آتش کجا و خاک کجا !) .

اقوام دیگری مانند؛ قوم نوح(علیه السلام) بر علاوه امت های گذشته که انبیا(علیهم السلام) را تکذیب کردند، اهل ادیان(یهود،نصرانی) مجوسیان، هندو وسایرکافران و بت پرستان، اینان را به کفر، شرک، عناد وادار نکرده است جزمرض تعصب.

گروه های گمراه، چه قدیم وچه جدیدی که هستند و به اسلام منسوب بودند، اینان مبتلا به امراض مختلف عقیده وی ، عبادی ، نژادی، سمتی وقومی شده بودند، همه شان از ناحیه مرض تعصب بوده است .

بنابراین مرض تعصب یک مرض خطیر، کشنده ای افراد وگروه ها است که منجر بر تکذیب پیامبران(علیهم السلام) وباعث نشروگسترش اساسات فرسوده وافکارگمراه کننده بوده است .

پس بر هر فرد جامعه واحزاب این کشور واجب است، این مرض را جستجو نموده فکر، عقل وزندگی خویش را از این مرض خطیر برهاند، باید هر فرد مسلمان به سوی کتاب خدا وسنت پیامبر بزرگ اسلام برگردند؛ زیرا قرآن کریم واحادیث صحیح رسول الله (صلی الله علیه وسلم) یگانه شفا دارویی نجات بخش امت اسلامی از این مرض کریه ومبغوض میباشد .

از خداوند(جل جلاله)(مسائلت داریم که امت اسلامی را از این مرض کشنده نجات داده، صف شان را واحد وکلمه شان را یکی بسازد .

دین اسلام دینی است برحق که از جانب الله نازل گردیده است، آن ذاتی که آسمان ها وزمین را به حق آفریده، کتاب وترزوی عدالت را برحق نازل کرده است، با اشکال مختلف استبداد، تجاوز مبارزه نموده، به ویژه اسلام علیه مرض تعصب که در میان ادیان، قبایل، اشخاص، افکار، مذاهب وگروه ها وجود داشت سخت پیکار نموده است، تعصب امری است میغوض، بد بوی، کشنده، عامل همه بدبختی ها، عقب ماندگی، بی عدالتی، ظلم، انکار از حقایق، تکذیب اسلام، تکذیب انبیا (علیهم السلام)، ایستادگی علیه پیامبران با انواع اتهامات، افتراء، خصومت وجدال با روش های باطل، چنانکه الله متعال میفرماید: {مَا يُجَادِلُ فِیۡ اٰیٰتِ اللّٰهِ اِلَّا الَّذِیۡنَ کَفَرُوۡا فَلَا یَعۡرَکُ تَقۡلِبُہُمۡ فِی الْبِلَادِ ، کَذَّبۡتَ قَبۡلُہُمۡ قَوۡمَ نُوۡحٍ وَّاَلۡحَزَابِۦ مِّنۡ بَعۡدِہِمۡ وَہَمَّتۡ کُلُّ اُمَّةٍ بِرَسُوۡلِہِمۡ لِّیُخۡذُوۡہُ وَجَادَلُوۡا بِالۡبٰطِلِ لِیُدۡحِضُوۡا بِہِ الْحَقَّ فَاَخَذۡنُہُمۡ فَکَیۡفَ کَانَ عِقَابِ } (غافر، 4-5).

ترجمه : هیچ کسی در مقابل آیات خدا پرخاشگری نمی کند و به ستیز نمی ایستد . مگر آنان که کافر باشند . آمد و شد و سلطه و قدرت کافران در شهرها و کشورها ، تو را گول زند .

پیش از اینان قوم نوح و دسته ها و گروههایی که بعد از ایشان بوده‌اند (پیغمبران خدا را) تکذیب کرده‌اند و همه ملتها خواسته اند که در حق پیغمبر خود توطئه کنند تا او را بگیرند و به ناحق جدال و نزاع ورزیده‌اند ، تا به وسیله باطل حق را نابود و برطرف کنند . ولی من ایشان را گرفتار ساخته ام . آیا عقاب من نسبت بدیشان چگونه است ؟.

پیشنه موضوع

پیرامون تعصب کدام کتاب خاص تحریر یافته باشد من نیافتم، اما مذمت این موضوع در قرآن کریم، احادیث، در داخل متون کتب ائمه و علما وجود دارد، با سعی وتلاش زیادی آنرا دریافته، جمع آوری نمودم که برخی از آنان در این بحث یاد آور شدم.

روش بحث

درتحریروتکمیل این مقاله از روش کتاب خانه استفاده صورت گرفته است، ودر تهیه پژوهش هذا کار های ذیل را انجام دادم:

1. موضوع را با دلایل از قرآن واحادیث صحیح مزین ساختم.
2. دید گاه برخی ائمه پیرامون موضوع تذکر داده شده است.
3. آیات با شماره ونام سوره اش بین قوس درختم آیات تحریر یافته است.
4. احادیث به کتب احادیث ارجاع گردیده است.
4. هر قول به گوینده اش نسبت داده شده است.
5. ترجمه آیات از تفسیر(نور) مصطفی خرم دل گرفته شده است.
6. این مقاله دارای چکیده، واژه های کلیدی، مقدمه، بدنه موضوع، با بیان نتیجه وفهرست سرچشمه ها پایان یافته است.

حجة اهل تعصب

چه دلیلی دارند پیرامون این نزاع و مبارزه شان برضد پیامبران درطول تاریخ بشریت؟

پاسخ: عمده ترین حجت شان عناد وتعصب است، چنانکه الله متعال میفرماید: {وَلَقَدْ اُرۡسَلۡنَا نُوحًا اِلَی قَوْمِہٖ فَقَالَ یٰۤاَقُوۡمِ اعۡبُدُوۡا اللّٰہَ مَا لَکُمۡ مِّنۡ اِلٰہٍ غَیۡرُہٗ اَفَلَا تَتَّقُوۡنَ ، فَقَالَ الْمَلٰٓئِکَۃُ الَّذِیۡنَ کَفَرُوۡا مِّنۡ قَوْمِہٖ مَا ہٰذَا اِلَّا بَشَرٌ مِّثۡلَکُمۡ یُرِیۡدُ اَنْ یَّبۡغِضَکَ

، اما ایشان در زمین استکبار و برتری جوئی کردند ، ولی نتوانستند پیشی گیرند.

ما هر يك از اينها را به گناهانشان گرفتيم : برای بعضی از ایشان طوفان همراه با سنگریزه حواله کردیم ، و بعضی از ایشان را صداي فرا گرفت ، و برخی از ایشان را هم به زمین فرو بردیم ، و برخی دیگر را غرق کردیم . خداوند هرگز بدیشان ستم نکرده است و آنان خودشان به خویش ستم کردند . این است نتیجه تعصب گرایان در دنیا، جزئیاتی، هلاکت چیزی دیگری نبوده است قسمیکه در آیات از سوره عنکبوت عواقب وخیم معاندین و متعصبین بیان گردید. خداوند از این مصیبت ها امت اسلامی را نجات دهد.

نتایج و پیامدهای زشت تعصب و عناد در آخرت

1 : خصومت و دشمنی همراه زعمای شان

الله متعال میفرماید: { وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَنْ نُؤْمِنَ بِهَذَا الْقُرْآنِ وَلَا بِالَّذِي بَيْنَ يَدَيْهِ وَلَا نَرَىٰ فِي الظَّالِمُونَ مَوْفُورِينَ عِنْدَ رَبِّهِمْ يَرْجِعُ بَعْضُهُمْ إِلَىٰ بَعْضٍ الْقَوْلِ يَقُولُ الَّذِينَ اسْتَضَعُوا لِلَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا لَوْلَا أَنْتُمْ لَكُنَّا مُؤْمِنِينَ ، قَالَ الَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا لِلَّذِينَ اسْتَضَعُوا أَنْحُنَّ صِدْقًا عَنْ هُدًى بَعْدَ إِذْ جَاءَكُمْ بَلْ كُنْتُمْ مُجْرِمِينَ ، وَقَالَ الَّذِينَ اسْتَضَعُوا لِلَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا بَلْ مَكْرُ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ إِذْ تَأْمُرُونَنَا أَنْ نَكْفُرَ بِاللَّهِ وَنَجْعَلَ لَهُ أَندَادًا وَأَسْرُوا النَّدَامَةَ لَمَّا رَأَوُا الْعَذَابَ وَجَعَلْنَا الْأَغْلَالَ فِي أَعْنَاقِ الَّذِينَ كَفَرُوا هَلْ يُجْزَوْنَ إِلَّا مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ } (سبأ، 31-33).

ترجمه: کافران میگویند ما هرگز به این قرآن و دیگر کتابهای پیش از آن ایمان نخواهیم آورد . اگر برایت ممکن بود که یبینی در آن زمان که ستمگران در پیشگاه پروردگارشان نگاه داشته شدهاند همه با یکدیگر در گفتگویند و هر یکی گناه را به گردن دیگری می‌اندازند . مستضعفان و زیردستان ، به مستکبران و بالادستان می‌گویند : اگر شما نبودید ما ایمان می‌آوردیم .

مستکبران هم به مستضعفان می‌گویند : آیا ما شما را از هدایتی باز داشته ایم که برایتان آمده بوده است ؟ بلکه خود شما گناهکار بوده‌اید . مستضعفان به مستکبران (بار دیگر) می‌گویند : بلکه توطئه‌ها و تبلیغات مکارانه شما در شب و روز سبب شد که ما از هدایت بازمانیم ، در آن هنگامی که شما به ما دستور می‌دادید که خدا را به یگانگی شناسیم و انبازها و همتاهانی برای او قرار دهیم . و پشیمانی خود را پنهان میدارند ، بدان گاه که عذاب را مشاهده می‌کنند و ما غل و زنجیرها را به گردن کافران می‌اندازیم . آیا به آنان جزائی جز (جزای) کارهایی که می‌کرده‌اند داده می‌شود ؟

اینان قربانیان تعصب ، تقلید کور کورانه و پیروان هوی عذاب الله را می‌چشند.

چنانکه الله متعال میفرماید : { وَإِذْ يَتَخَاوُونَ فِي النَّارِ قِيُولُ الضُّعَفَاءِ لِلَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا إِنَّا كُنَّا لَكُمْ تَبَعًا فَهَلْ أَنْتُمْ مُغْنُونَ عَنَّا نَصِيبًا مِنَ النَّارِ ، قَالَ الَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا إِنَّا كُلٌّ فِيهَا إِنَّ اللَّهَ قَدْ حَكَمَ بَيْنَ الْعِبَادِ } (غافر، 47-48).

ترجمه : (خاطر نشان ساز) زمانی را که در آتش دوزخ (دوزخیان) با همدیگر به کشمکش و پرخاشگری می‌پردازند . ضعیفان به مستکبران می‌گویند : ما پیروان شما بودیم ، آیا بخشی از عذاب را به جای ما پذیرا می‌گردید و به گردن می‌گیرید ؟

مستکبران (پاسخ می‌دهند و) می‌گویند : ما و شما همگی در این آتش دوزخ هستیم . خداوند در میان بندگان داوری کرده است .

در روز قیامت از همدیگر بیزار می‌شوند . الله (جل جلاله) در این رابطه میفرماید: { وَلَوْ بَرَىٰ الَّذِينَ ظَلَمُوا إِذْ يَرَوْنَ الْعَذَابَ أَنَّ الْقُوَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا وَأَنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعَذَابِ ، إِذْ تَبَرَّأَ الَّذِينَ اتَّبَعُوا مِنَ الَّذِينَ اتَّبَعُوا وَرَأَوُا الْعَذَابَ وَتَقَطَّعَتْ بِهِمُ الْأَسْبَابُ ، وَقَالَ الَّذِينَ اتَّبَعُوا لَوْ أَنَّا كُنَّا نَدْرِي مَا نَبِيُّهُمْ كَمَا تَبَرَّعُوا مِنَّا كَذَلِكَ يُرِيهِمُ اللَّهُ أَعْمَالَهُمْ حَسَرَاتٍ عَلَيْهِمْ وَمَا هُمْ بِخَارِجِينَ مِنَ النَّارِ } (البقرة، 165-167).

ترجمه : آنان که ستم می‌کنند اگر می‌شد عذابی را مشاهده نمایند که هنگام (رستاخیز) می‌بینند ، (می‌فهمند که) قدرت و عظمت همه از آن خدا است و خدا دارای عذاب سختی است .

در آن هنگام که رهبران از پیروان خود بیزاری می‌جویند و عذاب را مشاهده می‌نمایند ، و روابط گسیخته می‌گردد . و پیروان می‌گویند : کاش بازگشتی (به دنیا) می‌داشتیم تا از آنان بیزاری جوینم ، همان گونه که آنان (امروزه) از ما بیزاری جستند این چنین خداوند کردارهایشان را به گونه حسرت زا و اندوه باری نشان ایشان می‌دهد ، و آنان هرگز از آتش (دوزخ) بیرون نخواهند آمد .

و در جای دیگر میفرماید : { إِنَّ اللَّهَ لَعَنَ الْكَافِرِينَ وَأَعَدَّ لَهُمْ سَعِيرًا ، خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا لَا يَجِدُونَ فِيهَا وَلِيًّا وَلَا نَصِيرًا ، يَوْمَ تَقَلَّبُ وُجُوهُهُمْ فِي النَّارِ يَقُولُونَ يَا لَيْتَنَا أَطَعْنَا اللَّهَ وَأَطَعْنَا الرَّسُولَ ، وَقَالُوا رَبَّنَا إِنَّا أَطَعْنَا سَادَتَنَا وَكُرَّاءَنَا فَاتَّوَلَّوْنَا السَّبِيلَ ، رَبَّنَا إِنَّهُمْ ضَعُفَيْنَا مِنَ الْعَذَابِ وَالْعُلْمُ لَعُنًا كَبِيرًا } (الأحزاب، 64-68).

ترجمه : خداوند قطعاً کافران را نفرین و از رحمت خود محروم ساخته است و برای ایشان آتش سوزانی فراهم کرده است . آنان جاودانه در آن خواهند

ماند و سرپرست و یآوری نخواهند یافت . روزی چهره‌های ایشان در آتش زیر و رو و دگرگون می‌گردد می‌گویند : ای کاش ! ما از خدا و پیغمبر فرمان می‌بردیم . و می‌گویند : پروردگارا ! ما از سران و بزرگان خود پیروی کرده‌ایم و آنان ما را از راه به در برده‌اند و همراه کرده‌اند . پروردگارا ! آنان را دو چندان عذاب کن ، و ایشان را کاملاً از رحمت خود به دور دار .

اینست سرنوشت نهایی کافران و گمراهانی که تعصب آنها را باعث ساخت؛ تا پیامبران را تکذیب نمایند، علیه آنان قتال کنند، و آنها را به انواع مشکلات روبه رو نمایند و پیامد کارشان در آخرت به یک دیگر نفرین کردن، پیروان و پیروی شده‌گان آرزوی عذاب بر دوستان مخلص شان داشتند و اینان در دنیا یکدیگر را در رویا رویی حق کمک میکردند.

اما متعصبین که منسوب به اسلام، یا به غیراسلام منسوب هستند، اینان هم از این نوع عذاب و عتاب بی بهره نیستند، هرکدام شان در آخرت آرزوی برگزیدن راه با رسول خدا و فلانی را به دوستی نمی‌گرفتند، چنانکه الله (عزوجل) میفرماید: { وَيَوْمَ يَعْزُضُ الظَّالِمُ عَلَىٰ يَدَيْهِ يَقُولُ يَا لَيْتَنِي اتَّخَذْتُ مَعَ الرَّسُولِ سَبِيلًا ، يَا وَيْلَتَا لَيْتَنِي لَمْ أَتَّخِذْ فُلَانًا خَلِيلًا ، لَقَدْ أَضَلَّنِي عَنِ الذِّكْرِ بَعْدَ إِذْ جَاءَنِي وَكَانَ الشَّيْطَانُ لِلْإِنْسَانِ خَوَلًا } (الفرقان، 27-29).

ترجمه : و در آن روز ستمکار هر دو دست خویش را به ندان می‌گزد و می‌گوید : ای کاش ! با رسول خدا راه برمی‌گزیدم . ای وای ! کاش من فلانی را به دوستی نمی‌گرفتم . بعد از آن که قرآن به دستم رسیده بود ، مرا گمراه کرد . شیطان انسان را خوار می‌دارد .

در جای دیگر میفرماید : { وَيَبْرَزُوا لِلَّهِ جَمِيعًا فَقَالَ الضُّعَفَاءُ لِلَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا إِنَّا كُنَّا لَكُمْ تَبَعًا فَهَلْ أَنْتُمْ مُغْنُونَ عَنَّا مِنْ عَذَابِ اللَّهِ مِنْ شَيْءٍ } (ابراهیم، 21).

ترجمه : همه در برابر خدا ظاهر و آشکار میگردند . ضعیفان به کسانی می‌گویند که خویشان را (در دنیا) بزرگ می‌پنداشتند : ما پیروان شما بودیم ، آیا می‌توانید چیزی از عذاب خدا را از سر ما بردارید ؟

آیا فرعون، یا نمرود، یا ابوجهل ، گمراهان دیگری از پیروانشان عذاب را تخفیف یا دور کرده میتواند؟ هیچگاه نمیتوانند!!

2 : خصومت و دشمنی دیگری میان پرستنده و پرستش کرده شده گان الله متعال در این رابطه چنین میفرماید: { وَقَالَ الشَّيْطَانُ لَمَّا قُضِيَ الْأَمْرُ إِنَّ اللَّهَ وَعَدَكُمْ وَعَدَ الْحَقُّ وَوَعَدْتُمْ فَأَخَذْتُمْ وَمَا كَانَ لِي عَلَيْكُمْ مِنْ سُلْطَانٍ إِلَّا أَنْ دَعَوْتُكُمْ فَاسْتَجَبْتُمْ لِي فَلَا تُلْمُونِي وَلَوْ مَا أَنْفَسَكُمُ مَا أَنَا بِمُصْرِخِكُمْ وَمَا أَنْتُمْ بِمُصْرِخِيَّ إِنِّي كَفَرْتُ بِمَا أَشْرَكْتُمُونِ مِنْ قَبْلُ إِنَّ الظَّالِمِينَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ } (ابراهیم، 22).

ترجمه : و اهریمن (شیطان) هنگامی که کار به پایان رسید می‌گوید : خداوند به شما وعده راستینی داد و من به شما وعده داده و با شما خلاف وعده کردم و من بر شما تسلطی نداشتم جز این که شما را دعوت نمودم و شما هم دعوتم را پذیرفتید . پس مرا سرزنش مکنید و بلکه خویشان را سرزنش نکنید . نه من به فریاد شما می‌رسم و نه شما به فریاد من می‌رسید . من از این که مرا قیلاً (در دنیا برای خدا) انباز کرده‌اید ، تبری می‌جویم . بی گمان کافران عذاب دردناکی دارند .

همین است غایت رابطه شیطان و انسان که سعی دارد تا انسان ها را گمراه بسازد مگر کسی را که الله آنان را از حبابل شیطان نجات داده است.

در جای دیگر میفرماید : { وَيَوْمَ يُنَادِيهِمْ فَيَقُولُ أَيْنَ شُرَكَائِيَ الَّذِينَ كُنْتُمْ تَزْعُمُونَ ، قَالَ الَّذِينَ حَقَّ عَلَيْهِمُ الْقَوْلُ رَبَّنَا هَؤُلَاءِ الَّذِينَ أَغْوَيْنَا كَمَا غَوَيْنَا تَبَرَّأْنَا إِلَيْكَ مَا كَانُوا إِلَّا فِتْنَتُنَا فَجَبَّبْنَاهُمْ لِيُبَيِّنُوا مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ، وَقِيلَ ادْعُوا شُرَكَاءَكُمْ فَدَعَوْهُمُ فَلَمْ يَسْتَجِيبُوا لَهُمْ وَرَأَوُا الْعَذَابَ لَوْ أَنَّهُمْ كَانُوا يَهْتَدُونَ } (القصص، 62-64).

ترجمه : روزی خدا ایشان را فریاد می‌دارد و می‌گوید : انبازهایی که برای من گمان می‌بردید کجایند ؟ ! . کسانی که فرمان عذاب درباره آنان مسلم شده است ، می‌گویند : پروردگارا ! ما اینان را گمراه ساخته‌ایم . از آنجا که خودمان گمراه بوده‌ایم ایشان را هم گمراه نموده‌ایم . ما از اینان در پیشگاه تو بیزاری می‌جوینم ما را عبادت نکرده‌اند ! گفته می‌شود : انبازهای خود را به فریاد خوانید . آنان ایشان را به فریاد می‌خوانند ، ولی پاسخی بدانان نمی‌دهند . عذاب را می‌بینند کاش ! هدایت یافته و راهیاب می‌بودند .

بالآخره اینان آرزوی هدایت را کردند و همین است آثار و پیامد تعصب مذموم و تقلید کورکورانه.

الله متعال این قصه ها را برای ما بازگو میکند؛ تا مردم از قصه های انبیا (علیهم السلام) و از چگونگی رفتار امتان شان همراه پیامبران خویش عبرت گرفته و افراد جامعه را از این شرع‌ام و مصیبت سخت برحذر بدارند؛ تا به این مصیبت نیفتند، چنانکه الله متعال میفرماید: { وَكَلَّا نَقْصُ عَلَيْكَ مِنْ أَنْبَاءِ الرُّسُلِ مَا نَنْبُتُ بِهِ فُؤَادَكَ وَجَاءَكَ فِي هَذِهِ الْحَقُّ وَمَوْعِظَةٌ وَذِكْرٌ لِلْمُؤْمِنِينَ } (هود، 120).

ترجمه : این همه از اخبار پیغمبران بر تو فرو می‌خوانیم ، کلاً برای این است که بدان دلت را برجای و استوار بداریم . برای تو در ضمن این حق

وَفَارَقَ الْجَمَاعَةَ فَمَاتَ ، مَاتَ مَبْتَهً جَاهِلِيَّةً ، وَمَنْ قَاتَلَ تَحْتَ رَايَةِ عُمَيَّةٍ يَعْصِبُ لِعَصْبَتِهِ ، أَوْ يَدْعُو إِلَى عَصْبَتِهِ ، أَوْ يَنْصُرُ عَصْبَتَهُ ، فَقَتِلَ ، فَقِتْلَةُ جَاهِلِيَّةٌ. (16): 20.

" کسی که از اطاعت زمامداران مسلمان دست بکشد، وازجماعت مسلمانان که بریک زعیف اتفاق نمودند جدا شود، مرگش مرگ جا هلیت است، شخصیکه بخاطرحمایت از عصبیت، ویا دعوت به عصبیت ویا ازخاطر عصبیت خشم نموده زیر بیرق گمراهی وناپینایی عصبیت قتل بکند وکشته شود، مرگ او مرگ جاهلیت است".

این حدیث پیامد های عصبیت را برملا میسازد که آن دعوی جاهلیت، منافی اخوت اسلامی بوده است، که امت را از آن برحذر داشته است.

(قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: " مَا بَالُ دَعْوَى الْجَاهِلِيَّةِ ؟ " قَالُوا : يَا رَسُولَ اللَّهِ ، كَسَعَ رَجُلٌ مِنَ الْمُهَاجِرِينَ ، رَجُلًا مِنَ الْأَنْصَارِ ، فَقَالَ : (دَعُوها ، فَأَلْهَمَهَا مَنِّيَّةً) (17 : 19).

مردی از مهاجرین گفت: ای مهاجرین! به داد من برسید، مردم انصاری گفت: ای انصار! به کمک من برسید. سپس رسول گرامی از ماجرا پرسید وگفت: " چرا دعوت جاهلیت، سر داده اید؟" گفتند: ای رسول خدا! مردی از مهاجرین با دست مرد انصاری را زد. نبی گرامی فرمود: " این سخنان جاهلیت را بگذارید، زیرا آن بد بو است".

در حدیث فوق کلمه انصار، مهاجرین تذکریافته است که آن کلمه ممدوح وپسنندیده می باشد، الله(جل جلاله) به خاطر زیبایی فعالیت ها، کمال افعال ووقت ایمان شان ستایش کرده است، اما هنگام که در آن عصبیت سرایت کرد، به صورت فوری پیامبر جلیل القدر آنرا دعوی جاهلیت خوانده، فرمود: زیرا آن بد بو است. پس کلمه شریف و بزرگ هرگاه به غرض پست استفاده شود، گوینده اش را مذموم قرارداده واین لفظ درچوکات جاهلیت قرار میگیرد.

عامل این کلمات چه بود؟ عامل اش تعصب، نسب بوده است، از همین رو رسول الله(صلی الله علیه وسلم) آنرا جاهلیت نام گذارید، ووصف نمود به بد بویی ومردم را به برادری، محبت، دوستی ویاری رسانیدن برحق دعوت نمود.

درخواست اسلام به برادری ایمانی

قال تعالى : { إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ } (الحجرات، 10)

ترجمه : فقط مؤمنان برادران همدیگرند.

پیامبرگرامی اسلام میفرماید: «الْمُؤْمِنُ لِلْمُؤْمِنِ كَالْبُنْيَانِ يَشُدُّ بَعْضُهُ بَعْضًا» (6): 129

ترجمه: " انسان مومن با انسان مومن حیثیت یک ساختمان را دارد که برخی اجزای آن با برخی دیگر استناد دارد".

رسول الله (صلی الله علیه وسلم) میفرماید: (الْمُسْلِمُ أَخُو الْمُسْلِمِ ، لَا يَظْلِمُهُ وَلَا يُظْلَمُهُ) (17 : 18) .

ترجمه: " مسلمان برادر مسلمان است، مسلمان به مسلمان ستم نمیکند ویاری وی را ترک نمیکند"

احادیث دیگری نیز وجود دارد که مسلمانان را به برادری، دوستی، نصرت کردن یکدیگر برحق، وایستادگی کردن برضد ظلم و طغیان دستور داده است، چنانکه از انس (رضی الله عنه) روایت است که رسول الله(صلی الله علیه وسلم) فرمود: «أَنْصُرُ أَخَاكَ ظَالِمًا أَوْ مَظْلُومًا» فَقَالَ رَجُلٌ : يَا رَسُولَ اللَّهِ ، أَنْصُرُهُ إِذَا كَانَ مَظْلُومًا ، أَفَرَأَيْتَ إِذَا كَانَ ظَالِمًا كَيْفَ أَنْصُرُهُ؟ قَالَ : «تَحْجِرُهُ ، أَوْ تَمْنَعُهُ ، مِنْ الظُّلْمِ فَإِنَّ ذَلِكَ نَصْرُهُ» (9 : 22).

ترجمه: به برادر ظالم وستم دیده ات کمک کن " سپس مردی گفت: ای رسول خدا! هنگامیکه او مظلوم باشد نصرت می کنم، اما اگر او ظالم باشد به او چگونه کمک بکنم؟ فرمود: " او را از ظلم منع کنی وجلوایش را بگیری ، این درحقیقت به او کمک کردن است".

افرادی است که مردم را به صلح، خیر، و خوبی ها دعوت میدهد، اما وی به سبب عصبیت ، تقلید کور کورانه خواهش بد، مورد تهاجم وستم قرار میگیرد، اما گروه کمی یافت می شود که بروی کمک کند.

بدون شک، تعصبات در عقاید، عبادات، سیاست و غیره ظهور کرده است، اما موقف ایمه اسلامی در برابر چنین تعصبات جاهلیت و ظالمانه که مسلمانان را پارچه، پارچه ساخته ودر عین حال اسلام را ضایع کرده است چگونه بوده است؟

پاسخ آنست که یاران رسول الله از آنها برائت کردند . عبدالله بن عمر و دیگر یاران رسول الله(صلی الله علیه وسلم)، اینان از مردم متعصب واهل هوی بیزاری کردند، چنانکه امام مسلم روایت کرده است: (فَإِذَا لَقِيتَ أَوْلِيكَ فَأَخْبِرْهُمْ أَنِّي بَرِيءٌ مِنْهُمْ ، وَأَنْهُمْ بَرِيءٌ مِنِّي ، وَالَّذِي يَخْلُفُ بِهِ عَبْدُ اللَّهِ بِنُ عُمَرَ لَوْ أَنَّ لِأَحَدِهِمْ مِثْلَ أُحُدٍ ذَهَبًا ، فَأَنْفَقَهُ مَا قَبِلَ اللَّهُ مِنْهُ حَتَّى يُؤْمِنَ بِالْقَدَرِ) (15): 28

آمده است و برای مؤمنان پند و یادآوری مهمی ذکر شده است . آیا امت از واقعات تلخی که بالای امت های ستمگرنازل شده استفاده کردند؟ ولی با تأسف شدید بیشترین این امت درگودال تعصب کورکورانه افتیدند ، در عقاید، عبادات، سیاست، اخلاق، و عادات شان از آن پیروی نموده، قرآن کریم را ترک کردند، گویا اینکه قرآن آنان را مورد خطاب قرار نداده وبرحذر نداشته باشد.

قرآن کریم زمانکه عیوب، عقاید، اخلاق امت های گذشته را برای امتان موجوده تذکر داد وبرملا ساخت که این چیزها سبب هلاکت امتان گذشته دردنیا وباعث بد بختی وعذاب سرمدی آخرت شان گردیده بود. می بایست اینان اندیشه، ترس، شرم داشته ، به کتاب خدا وسنت رسول الله برگشت نموده، از همین اعمال، اندیشه های هلاک کننده واز تعصبی که مردم را پراکنده ساخته، امت های کفری را بالای شان مسلط کرده دوری بجویند.

پیامبر اسلام مردم را آگاه ساخته است که بیشتر این امت ، قدم به قدم از سنت وروش کسانیکه قبل از اینان بودند پیروی کرده اند.

اتباع این امت ازراه وروش مردمیکه قبل ازخودشان بودند

از ابوهریره (رضی الله عنه) روا یت است که پیامبر(صلی الله علیه وسلم) میفرماید: «لَا تَقُومُ السَّاعَةُ حَتَّى تَأْخُذَ أُمَّتِي بِأَخْذِ الْقُرُونِ قَبْلَهَا، شَيْزًا بِشَيْرٍ وَذِرَاعًا بِذِرَاعٍ» (9 : 102).

ترجمه: " قیامت برپا نمیشود تا اینکه امتم راه وروش مردمی که قبل ازخودشان هستند وجب به وجب، گزبه گز برنگزینند (وبه مسیر آنها نروند) "

به روایت ابوسعید(رضی الله عنه) است که پیغمبر(صلی الله علیه وسلم) فرمود: «لَتَنْتَبِهَنَّ سَنَنٌ مِنْ قَبْلِكُمْ شَيْزًا بِشَيْرٍ ، وَذِرَاعًا بِذِرَاعٍ ، حَتَّى لَوْ سَلَكُوا جُحْرَ صَبَّ لَسَلَكْتُمُوهُ»، فَلَمَّا يَا رَسُولَ اللَّهِ: الْيَهُودُ ، وَالنَّصَارَى قَالَ : «فَمَنْ؟» (7 : 169) ترجمه: " شما وجب به وجب وگزبه گز ازروش وطریقه کسانیکه پیش از شما هستند اتباع می کنید، حتی آنکه اگر آنها درسوراخی سوسمار داخل شوند، شما درانجا به تعقیب آنان داخل میشوید.گفتیم: ای رسول خدا! منظورتان یهود ونصاری هستند؟ فرمود: پس چه کسی باشند؟

عَنْ أَبِي وَاقِدٍ اللَّيْثِيِّ ، أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لَمَّا خَرَجَ إِلَى حُثَيْنِ مَرَّ بِشَجْرَةٍ لِلْمَشْرِكِينَ يُقَالُ لَهَا : ذَاتُ أَنْوَاطٍ يُعَلَّقُونَ عَلَيْهَا أَسْلِحَتَهُمْ ، فَقَالُوا : يَا رَسُولَ اللَّهِ ، اجْعَلْ لَنَا ذَاتَ أَنْوَاطٍ كَمَا لَهُمْ ذَاتُ أَنْوَاطٍ ، فَقَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ : " سُبْحَانَ اللَّهِ هَذَا كَمَا قَالَ قَوْمُ مُوسَى { اجْعَلْ لَنَا إِلَهًا كَمَا لَهُمْ آلِهَةٌ } {الأعراف: 138} وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ لَتُرَكِّبَنَّ سَنَةً مِنْ كَأَن قَبْلَكُمْ " هَذَا حَدِيثٌ حَسَنٌ صَحِيحٌ. (10 : 475).

ترجمه: " به روایت ابوواقف اللیثی است که، رسول الله(صلی الله علیه وسلم) هنگام رفتن به حنین از کنار درختی عبور نمودند درحالیکه مشرکان به آن ذات انواط می گفتند و اسلحه شان را به امید برکت به آن آویزان میکردند، اصحاب گفتند: ای رسول خدا! برای ما هم ذات انواط مقرر کنید قسمیکه اینان دارای ذات انواط هستند، پیامبر(صلی الله علیه وسلم) فرمود: منزه است الله، این سخنان شما مانند سخنان قوم موسی است که به موسی گفته بودند: " برای ما معبودی مقررکن قسمیکه برای آنان معبودانی هستند" سوگند به خدایی که جانم در دست(بلا کیف) اوست، راه وروش مردمانیکه قبل از خودتان هست مرتکب شده اید". امام ترمذی میگوید: این حدیث حسن وصحیح است.

عوف بن مالک گفت: رسول خدا(صلی الله علیه وسلم) میفرماید: (افتقرت اليهود علی إحدی وسبعین فرقة . فواحدة في الجنة . وسبعون في النار وافتقرت النصاری علی ثنتین وسبعین فرقة . فإحدی وسبعون في النار وواحدة في الجنة . والذي نفس محمد بيده لتفتقرن أمتي علی ثلاث وسبعین فرقة . واحدة في الجنة وثنتان وسبعون في النار قيل يا رسول الله من هم ؟ قال (الجماعة) (2 : 1322).

ترجمه: " یهودیان بر هفتاد یک گروه متفرق شدند، یک آنها در بهشت اند و هفتادگروه شان در دوزخ هستند. نصاری برهفتاد دو گروه متفرق شدند، هفتاد یک گروه در دوزخ هستند ویک گروه شان در بهشت اند. سوگند به آن ذاتی که جان محمد به دست اوست، امت من برهفتاد سه گروه متفرق می شوند تنها یک گروه مستحق بهشت و هفتاد دوگروه مستحق دوزخ هستند، سوال شدکه ای رسول خدا! آن گروه که مستحق بهشت شدند چه کسی هستند؟ فرمود: جماعت از مردم(گروه) که عقیده شان موافق جماعت صحابه باشند وبه رأی دیدگاه آنها تمسک داشته باشند).

پیامبر(صلی الله علیه وسلم) مردم را ازتعصب وعصبیت کور کورانه برحذر داشته است.

رسول گرامی امت شان را از تعصب وعصبیت کور کورانه منع نموده ومرگ آنرا مرگ جاهلیت خوانده است چنانکه از ابوهریره (رضی الله عنه) روایت است که پیامبر(صلی الله علیه وسلم) فرمود: (مَنْ خَرَجَ مِنَ الطَّاعَةِ ،

تعصب میکنند و این تعصب باعث شده که آنها بیشترین نصوص صریح و واضح کتاب خدا و سنت پیامبر (صلی الله علیه و سلم) را رد نمایند.

مفاسد تعصب

روی چه و کدام سبب بسیاری نصوص را با وجود وضاحت بودنش رد، یا تأویل، یا تحریف کردند؟ بدون شک یگانه باعث آن همین تعصب، عصبیت کورکورانه است، چنانکه برخی علماء مفاسد مرض تعصب مذهب گرایی را که مردم در آن افتیداند ذکر نموده است، از آن جمله ابن قیم (رحمه الله) میگوید از جمله مفاسد تعصب آنست که:

- 1: از روی تعصب مخالفت کردن با نصوص قرآن و سنت ثابت، گاهی هم تقدیم نمودن رأی بر نصوص است. (5: 6)
- 2: افزایش حدیث های ضعیف، موضوعی و استدلال و استنباط احکام از آنها.
- 3: تقدیم نمودن اقوال علمای متأخرین بر اقوال علمای متقدمین.
- 4: انحباس و مقید شدن در یک مذهب، عدم استفاده از علم، تلاش، کوشش و کتب دیگر مذاهب.
- 5: خالی بودن بسیاری از کتاب های مذاهب از دلایل شرعی، روی آوردن به تدریس همین نوع کتاب ها و ترک تدریس قرآن کریم و احادیث.
- 6: شیوع و متداول شدن تقلید کورکورانه، جمود و بستن در اجتهاد. در مورد بستن در اجتهاد اختلاف نظر وجود دارد، اینجا مجال بحث نیست که موضوع را بسط دهم.

﴿اتَّخَذُوا أَحْبَابَهُمْ وَرُهْبَانَهُمْ أَرْبَابًا مِنْ دُونِ اللَّهِ وَالْمَسِيحَ ابْنِ مَرْيَمَ وَمَا أُمِرُوا إِلَّا لِيَعْبُدُوا إِلَهًا وَاحِدًا لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ سُبْحَانَهُ عَمَّا يُشْرِكُونَ﴾ (التوبة: 31).

ترجمه: یهودیان و ترسایان علاوه از خدا، علماء دینی و پارسایان خود را هم به خدائی پذیرفته اند مسیح پسر مریم را نیز خدا می شمارند. بدیشان جز این دستور داده نشده است که: تنها خدای یگانه را بپرستند و بس. جز خدا معبودی نیست و او پاک و منزّه از شرک و رزی و چیزهایی است که ایشان آنها را انباز قرار می دهند.

امام رازی (رحمه الله) تحت تفسیر آیت مذکوره، قول یکی از شیخ های محقق اش را نقل کرده میگوید: "جماعت از مقلدین فقهارا مشاهده کردم، پیرامون برخی مسایل بر آنان آیات زیادی کتاب الله را خواندم، درحالیکه این آیات برخلاف مذهب شان قرار داشت، آنان این آیات را نپذیرفته، به آن هیچ اعتنایی نکردند، بل طرف من شگفت زده شده مینگریستند، یعنی چطور عمل کردن به ظاهر این آیات ممکن است، درحالی که دیدگاه سلف ما برخلاف آن وارد شده است. اگر درست، و واقع بینانه تأمل بکنی در می یابی که این مرض (تعصب) در رگ رگ بیشترین مردمان دنیا ساری است. (11: 31).

امام رازی (رحمه الله) منسوب بر مذهب امام شافعی (رحمه الله) است، وی گواهی میدهد بر اینکه تعدادی مذهب گرایان آیات قرآنی را رد میکنند؛ زیرا آیات با دیدگاه مذهب شان مخالفت دارد

مرض تعصب مذهبی، فکری، سیاسی و حزبی در بیشترین اقشار کشور وجود دارد.

امام رازی (رحمه الله) میگوید: "منظور ارباب در آیتی که قبلا تذکر شد، این نیست که آنان آنها را معبودان کاینات اعتقاد داشته باشند، بل منظور اطاعت در اوامر و نوهی شان است". (11: 31).

عدی بن حاتم (رضی الله عنه) روایت است که گفت: (أَتَيْتُ النَّبِيَّ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - وَفِي عُنُقِي صَلِيبٌ مِنْ ذَهَبٍ، فَقَالَ: "يَا عَدِيُّ، اطْرَحْ عَنْكَ هَذَا الْوَتْنَ" (فَطَرَحْتُهُ) فانتهيت إليه و هو يقرأ سورة براءة فقرأ هذه الآية "يَقْرَأُ فِي سُورَةِ بَرَاءَةِ: {اتَّخَذُوا أَحْبَابَهُمْ وَرُهْبَانَهُمْ أَرْبَابًا مِنْ دُونِ اللَّهِ} (سورة التوبة، 31) (حَتَّى فَرَّغَ مِنْهَا " فَقُلْتُ: إِنَّا لَسْنَا نَعْبُدُهُمْ، فَقَالَ: " أَلَيْسَ يُحَرِّمُونَ مَا أَحَلَّ اللَّهُ فَتَحَرَّ مَوْتُهُ؟، وَجُلُّونَ مَا حَرَّمَ اللَّهُ فَتَسْتَجِلُّونَهُ؟ "، قُلْتُ: بَلَى، قَالَ: " فَيَلْكَ عِبَادَتُهُمْ" (13: 92).

ترجمه: "پیش پیامبر (صلی الله علیه و سلم) آمدم و در گردنم صلیبی از طلا آویزان بود، فرمود: " ای عدی! این بت را از گردن دور کن" او را انداختم و به رسول الله نزدیک شدم، که سوره براءة و آیت: " اهل کتاب " دانشمندان و راهبان خویش را معبودهایی در برابر خدا قرار دادند" را میخواند و تلاوت آن فارغ شدند، گفتم: ما آنها را پرستش نمی کردیم. رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: مگر آنها حلالهای الله را حرام، و حرامهای الله را، حلال نمی کردند و شما از آنها می پذیرفتید؟ گفتم: چنین می کردند. فرمود: همین است پرستش آنان.

بدون شک تعصب، تفرق، و تحزب گرایی میان امت اسلامی شیوع یافته است که باعث فتنه، حقد، دشمنی و دوری میان مسلمانان گردیده است، و این یک امر بسیار خطیر در دین و دنیای امت مسلمه میباشد، همه افراد امت اسلامی خود را از این امراض مهلك باید نجات بدهند.

زمانکه خبر ایجاد اندیشه نفی و انکار تقدیریه عبدالله بن عمر رسید، گفت: "هرگاه به اینان ملاقات کردی، آنها را خبر بده که من از اینان بیزارم، و اینان از من بیزار هستند، عبدالله بن عمر به الله سوگند میخورد که، اگر یکی آنان مانند کوه احد زرداشته باشد، و آنرا خرچ بکند، مورد پذیرش الله قرار نمیگیرد، تا اینکه به تقدیر ایمان آورد".

همچنان حضرت پیامبر (صلی الله علیه و سلم) بر قتل خوارج دستور داده، و آنان را بدترین مردم نامیده، مکروه ترین مردم به پیشگاه الله، و در زیر آسمان بدترین انسان معرفی کرده است.

با وجود این همه اوصاف آنان در عبادت الله سرگرم بودند، حتی یاران پیامبر اسلام، نه در نماز خواندن و نه در روز گرفتن و نه در تلاوت قرآن کریم به آنها میرسند، چنانکه پیامبر (صلی الله علیه و سلم) میفرماید:

«يَخْرُجُ فِيكُمْ قَوْمٌ تَحْقِرُونَ صَلَاتَكُمْ مَعَ صَلَاتِهِمْ، وَصِيَامَكُمْ مَعَ صِيَامِهِمْ، وَعَمَلَكُمْ مَعَ عَمَلِهِمْ، وَيَقْرَأُونَ الْقُرْآنَ لَا يُجَاوِزُ حَنَاجِرَهُمْ، يَمُرُّونَ مِنَ الدِّينِ كَمَا يَمُرُّ السَّهْمُ مِنَ الرَّمِيَّةِ» (8: 197).

ترجمه: " در میان شما قومی میبرایند که، نمازتان را نسبت به نمازشان، روزهتان را نسبت به روزهشان، عملتان را نسبت به عملشان حقیر می پندارند، قرآن میخوانند اما از حنجره شان تجاوز نمی کند، آنان از دین خارج می شوند مانند برآمدن تیر از شکار".

نیز میفرماید: « فَاَقْتُلُوهُمْ، فَإِنَّ قَتْلَهُمْ أَجْرٌ لِمَنْ قَتَلَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ» (7: 200) " آنان را بکشید، زیرا هر که آنها را بکشد برای قاتلشان در روز قیامت پاداشی است".

خوارج با این همه عبادات شان از تعصب میبغوض بهر مند بوده، و آنها را به طعن یاران رسول الله کشانده، باعث ترک بیشترین نصوص گردیده است. و این مرض تعصب آنان را وادار نموده؛ تا به اهل حق احترام نکنند، و به حق برنگردند، بل ریزاندن خون، و از بین بردن مال اهل حق را مباح میدانستند.

این عبادات آنها گرچند زیاد است، ولی آن نزد الله (جل جلاله) کدام ارزش و قیمتی ندارد؛ زیرا بر پایه سالم و بر منجی درست استوار نبوده است.

افرادی هستند که نصوص قرآن کریم را از روی تعصب به غرض اثبات اندیشه های باطل شان تأویل کرده و از کتاب خداوند و سنت رسول الله فاصله گرفتند، حتی مردم را از تدریس قرآن کریم و احادیث رسول الله مانع میشدند.

مرض تعصب در عقاید وجود داشت، حتی آنکه این مرض وارد میدان عبادات، و فقه اسلامی گردیده، و در نتیجه امت از هم پراکنده شدند، هر طایفه

بریک مذهب معین تعصب کردند، با وجود آنکه نصوص قرآن کریم و سنت رسول الله (صلی الله علیه و سلم) به اتفاق و وحدت، امت و جمع شدن آنان به دور کتاب پروردگار و سنت پیامبرشان دعوت داده است. چقدر آیاتی است که

به اتباع راه راست، و تمسک جستن به ریسمان الله، و اطاعت پیامبر (صلی الله علیه و سلم) فرمان داده و از مخالفت دستور رسول الله (صلی الله علیه و سلم) بر حذر نموده است، چنانکه الله متعال میفرماید: ﴿فَلْيَحْذَرِ الَّذِينَ يُخَالِفُونَ عَنْ أَمْرِهِ أَنْ تُصِيبَهُمْ فِتْنَةٌ أَوْ يُصِيبَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ﴾ (النور، 63).

ترجمه: آنان که با فرمان او مخالفت می کنند، باید از این بترسند که بلائی گریبانگیرشان گردد، یا این که عذاب دردناکی دچارشان شود.

آیات زیادی است که محمد (صلی الله علیه و سلم) را به پیروی آنچه که بر او وحی میشود تشویق داده، و این امت را بر اتباع قرآن کریم ترغیب نموده است. ابن عباس (رضی الله عنهما) تعدادی را مشاهده کرد که آنان از روی

تعصب اندکی رأی خلفای بزرگ اسلامی ابوبکر و عمر را اولویت میدادند، او برای شان گفت:

(أراهم سيهلكون، أقول: قال رسول الله صلى الله عليه وسلم ويقولون: قال أبو بكر، وعمر) (4: 1210).

" اینان هلاک می شوند، زیرا من میگویم: رسول الله (صلی الله علیه و سلم) فرموده است، و آنان میگویند: ابوبکر و عمر گفته است".

امام احمد (رحمه الله) میگوید: (عَجَبًا لِقَوْمٍ عَرَفُوا الْإِسْلَامَ وَصَحَّتْ يَدْعُوهُ وَيَذْهَبُونَ إِلَى رَأْيِ سَفِيَانٍ وَغَيْرِهِ: ﴿فَلْيَحْذَرِ الَّذِينَ يُخَالِفُونَ عَنْ أَمْرِهِ أَنْ تُصِيبَهُمْ فِتْنَةٌ﴾ [النور: 63]، . (14: 107)

تعجبی است بر آن قومی که اسناد حدیث و صحت آن را دانسته، سپس او را رها نموده، دیدگاه سفیان و غیره را می گیرند" آنان که با فرمان او مخالفت می کنند، باید از این بترسند که بلائی گریبانگیرشان گردد". منظور از فتنه: کفر است.

بر حذر داشتن انمه از تعصب

ایمه چهارگانه هر کدام مردم را از مذهب گرایی و تعصب گرایی بر حذر داشتند، سخنان شان در کتب شان ثبت است، هیچ نوع غباری در این رابطه وجود ندارد، زیرا آن به عنوان دلیل قوی علیه آن عده مردمی که برایم شان

ابن تیمیة (رحمه الله) پیرامون همچون موارد میگوید: (وَلَيْسَ لِلْمُعَلِّمِينَ أَنْ يَحْزَبُوا النَّاسَ وَيَعْلَمُوا مَا يُلْقَى بَيْنَهُمُ الْعَدَاوَةَ وَالْبَغْضَاءَ بَلْ يَكُونُونَ مِثْلَ الْإِخْوَةِ الْمُتَعَاوِنِينَ عَلَى الْبِرِّ وَالْتَّقْوَى كَمَا قَالَ تَعَالَى: {وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَى وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ} (المائدة،2) . (3: 15-16).

برای معلمان و استادان درست نیست که مردم را گروه، گروه سازند، کاری را انجام ندهند که باعث دشمنی، کینه توزی در میان آنان شوند، بل همه شان برادرگونه، با هم در راه نیکی و پرهیزکاری یاری رسان باشند، همان گونه که الله متعالی میفرماید: "در راه نیکی و پرهیزکاری همدیگر را یاری و پشتیبانی نمایند، و همدیگر را در راه تجاوز و ستمکاری یاری و پشتیبانی نکنند".

همچنین در میان گروه های اسلامی تعاون و نصرت به روش شرعی از بین رفته است، الله (جل جلاله) به بندگان اش دستور میدهد که به یکدیگر برحق یار برسانند. ما باید مطابق دستور الهی عمل بکنیم، بنابراین هرگاه مشاجره ای میان افراد رخ بدهد، به هیچ کسی درست نیست که از روی تعصب از باطل حمایت نماید، بل بر ما لازم است در تلاش در یافت حقایق و حق باشیم، و حق بر هر طرفی که باشد، از او حمایت نموده و حق گرا باشیم چنانکه الله متعال میفرماید: {يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ بِالْقِسْطِ شُهَدَاءَ لِلَّهِ وَلَوْ عَلَىٰ أَنْفُسِكُمْ أَوِ الْوَالِدِينَ وَالْأَقْرَبِينَ إِنْ يَكُنْ غَنِيًّا أَوْ فَقِيرًا فَاللَّهُ أَوْلَىٰ بِهِمَا فَلَا تَتَّبِعُوا الْهَوَىٰ أَنْ تَعْدُوا وَإِنْ تَلَوُّوا أَوْ تَعْرِضُوا فَإِنَّ اللَّهَ كَانِ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا} (النساء،135).

ترجمه: ای کسانی که ایمان آورده‌اید! دادگری پیشه سازید و در اقامه عدل و داد بکوشید، و به خاطر خدا شهادت دهید هر چند که شهادتتان به زیان خودتان یا پدر و مادر و خویشاوندان بوده باشد. اگر کسی که به زیان او شهادت داده می‌شود دارا یا نادر باشد، چرا که خداوند از هردوی آنان بهتر است پس از هوا و هوس پیروی نکنید که منحرف می‌گردید. و اگر زبان از ادای شهادت حق بیچانید یا از آن روی بگردانید، خداوند از آنچه می‌کنید آگاه است.

بر همه گان لازم است در برابر باطل دست هم داده، از حق حمایت نمایند، نزدشان معظّم، مقدم، محبوب کسی باشد که او را الله و پیامبرش معظّم، مقدم و محبوب قرار داده باشد. و همان و خوار نزدشان کسی است که الله و رسولش او را خوار و ذلیل معرفی کرده است، این همه از روی یک معیار شرعی محاسبه شود، نه بر مبنای هوی و خواهش. و این اصلی است که بر آن تکیه شود، نیازی به تفرق، و پراکنده گی و تعصب نیست، چنانکه الله متعال میفرماید: {إِنَّ الَّذِينَ فَرَّقُوا دِينَهُمْ وَكَانُوا شِيْعًا لَسْتُ مِنْهُمْ فِي شَيْءٍ إِنَّمَا أَمْرُهُمْ إِلَى اللَّهِ ثُمَّ يُنَبِّئُهُمْ بِمَا كَانُوا يَفْعَلُونَ} (الانعام،159).

ترجمه: بیگمان کسانی که آئین (یکتاپرستی راستین) خود را پراکنده می‌دارند و دسته دسته و گروه گروه می‌شوند تو به هیچ وجه از آنان نیستی و سرکارشان با خدا است و خدا ایشان را از آنچه می‌کنند باخبر می‌سازد. و قال تعالی: {وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ تَفَرَّقُوا وَاخْتَلَفُوا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْبَيِّنَاتُ وَأُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ} (آل عمران،105).

ترجمه: و مانند کسانی نشوید که پراکنده شدند و اختلاف ورزیدند پس از آن که نشانه‌های روشن به آنان رسید، و ایشان را عذاب بزرگی است.

بر هر مسلمان لازم است که خود را تقیّش و آزمایش نماید؛ زیرا گاه گاهی انسان بنابر تقاضای نفس سوی یک طرف تمایل دارد، قبل از اینکه حق برایش بر ملا شود، آرزو میکند که فلان از لحاظ حجت و دلیل غالب گردد، بدون در نظر داشت اینکه حق به کدام طرف است. باید خاطر نشان ساخت که چنین دیدگاه گرچند آن شخص برحق هم باشد درست نیست از جمله حکم جاهلیت به شمار میرود، و این امر در ذهن بیشترین مردم خطور نمیکند.

مسلمان در قضایای مختلف باید مراقب الله پاک بوده باشد، و قصدش فقط شناخت حق و حقیقت باشد برابر است که حق با این است یا با آن.

از همین جاست که امام شافعی (رحمه الله) میفرماید: " هرگاه داخل مناظره شوم پروا ندارم که حق با من است یا با جانب مقابل"

به دیدگاه امام بزرگوار اسلام نگاه کنید که وی آرزو نمیکند که حق به طور حتمی با او باشد، بل تنها دارد که حق، نصرت و پیروزی به طرف مقابل باشد. پس امر مهم شناختن حق بوده است و آن بر هر طرفیکه باشد.

ما باید انصاف کننده، جستجوگر حق، دوزار هوی، و روش های جاهلیت بوده باشیم.

پس بر ما لازم است که نفسهای خود را جستجو بکنیم، اگر اندکی از این نوع مرض (تعصب) در خود می یا بیم، به آن رسیدگی نموده و بر علاج آن تلاش نماییم، همیشه در تلاش دریافت حق بوده و خود را از مرض تعصب نا بینایی که منجر به شرک یا منجر به گمراهی خطیر میشود نجات دهیم.

نتیجه

مقاله حاضر که خدمت تان قرار دارد، چشم انداز کوتاه و موجز در رابطه به

تعصب، و پیامد بد و وخیم آن، خدمت خوانندگان عزیز و گرامی تقدیم شد، از لابلای پژوهش این مقاله به نتایج آتی دست یافتیم:

1. عناد و تعصب طبق فرموده الله (جل جلاله) سبب تکذیب انبیا(علیهم السلام) بوده است.
2. تعصبی که منجر بر انکار از حق و تکذیب انبیا(علیهم السلام) باشد، و این نوع تعصب باعث عذاب دینی و اخروی میباشد.
3. تعصب و عصبیت بنابر فرموده پیامبر اسلام دعوی جاهلیت بوده است.
4. عصبیت مطابق فرموده رسول الله(صلی الله علیه و سلم) بد بویی است
5. ایامه کرام (رحمه الله) پیروان شان را از تعصب مذهب گرایی بر حذر داشته است.
6. عصبیت مذموم عامل همه بدختی ها در کشور بوده است، از قبیل؛ جنگ قومی، سمتی، زبانی، نژادی، مذهبی، فکری، سیاسی، حزبی، بی عدالتی، ظلم، بالاخره باعث عقب مانده گی دینی، علمی، فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی میباشد.
7. دین اسلام مردم را از تعصب و اختلاف بر حذر داشته و به برادری، وحدت و یک پارچگی دعوت نموده است.

خداوند(جل جلاله) امت اسلامی را از شر آن نجات بخشید، توفیق برگشت به سوی کتاب خدا و سنت رسول الله(صلی الله علیه و سلم) و منهج نیکان گذشته نصیب فرماید.

صلی الله و سلم علی نبینا محمد و علی آله و صحبه أجمعین.

سرچشمه ها

1. قرآن کریم
2. ابن ماجه، أبو عبدالله محمد بن یزید القزوينی(ب ت) سنن ابن ماجه ج. 2 . تحقیق: محمدفواد عبدالباقي. ناشر: دار الفکر - بیروت.
3. ابن تیمیة، تقی الدین أبو العباس أحمد بن عبدالحلیم بن تیمیة(1995م) مجموع الفتاوی ج. 28. تحقیق: عبدالرحمن بن محمد بن قاسم. ناشر: مجمع الملك فهد لطباعة المصحف الشريف، المدينة النبوية، المملكة العربية السعودية.
4. ابن عبدالبر، أبو عمر يوسف بن عبدالله بن محمد بن عبدالبر(1994م) جامع بیان العلم وفضله ج. 2. تحقیق: أبوالاشبال الزهیری. ناشر: دار ابن الجوزی، المملكة العربية، چاپ اول.
5. ابن قیم، محمد بن ابی بکر بن ایوب بن سعد شمس الدین(1991م) اعلام الموقعین عن رب العالمین ج. 1. تحقیق: محمد عبد السلام إبراهیم. ناشر: دارالکتب العلمیة- بیروت، چاپ اول.
6. بخاری، محمد بن إسماعیل أبو عبد الله(1422ه) صحیح البخاری ج. 3. تحقیق: محمد زهیر بن ناصر الناصر. ناشر: دار طوق النجاة، چاپ اول.
7. بخاری، محمد بن إسماعیل أبو عبد الله(1422ه) صحیح البخاری ج. 4. تحقیق: محمد زهیر بن ناصر الناصر. ناشر: دار طوق النجاة، چاپ اول.
8. بخاری، محمد بن إسماعیل أبو عبد الله(1422ه) صحیح البخاری ج. 6. تحقیق: محمد زهیر بن ناصر الناصر. ناشر: دار طوق النجاة، چاپ اول.
9. بخاری، محمد بن إسماعیل أبو عبد الله(1422ه) صحیح البخاری ج. 9. تحقیق: محمد زهیر بن ناصر الناصر. ناشر: دار طوق النجاة، چاپ اول.
10. ترمذی، محمد بن عیسی بن سورة(1975م) سنن ترمذی ج. 4. تحقیق: أحمد شاکر. ناشر: شركة مكتبة ومطبعة مصطفى البابي الحلبي- مصر، چاپ دوم.
11. رازی، أبو عبدالله محمد بن عمر بن الحسن الرازی، ملقب به فخرالدین رازی(1420ه) مفاتیح الغیب ج. 16. ناشر: دار إحياء التراث العربی- بیروت، چاپ دوم.
12. زبیدی، محمد بن محمد بن عبدالرزاق الحسینی(ب ت) تاج العروس من جواهر القاموس ج. 3. تحقیق: مجموعة من المحققين. ناشر: دارالهدایة.
13. طبرانی، سلیمان بن أحمد بن ایوب أبو القاسم(1983م) المعجم الکبیر ج. 17. تحقیق: حمدی بن عبدالمجید السلفی. ناشر: مكتبة العلوم والحکم- الموصل، چاپ دوم.
14. مرداوی، محمد بن ملفح بن محمد المقدسی(1424ه) الفروع ومعه تصحیح الفروع ج. 11. تحقیق: عبدالله بن عبدالمحسن التركي. ناشر: مؤسسة الرسالة، چاپ اول.

15. نیشاپوری، أبوالحسین مسلم بن الحجاج(1334هـ) صحیح مسلم ج. 1. تحقیق: مجموعة من المحققين. ناشر: دارالجيل- بيروت.
16. نیشاپوری، أبوالحسین مسلم بن الحجاج(1334هـ) صحیح مسلم ج. 6. تحقیق: مجموعة من المحققين. ناشر: دارالجيل- بيروت.
17. نیشاپوری، أبوالحسین مسلم بن الحجاج(1334هـ) صحیح مسلم ج. 8. تحقیق: مجموعة من المحققين. ناشر: دارالجيل- بيروت.